

عقاب چارگون شدی محمدحسین!

محمدحسین برزگری کارشناس مسئول استقرار منابع انسانی چارگون ماموریت کاری خود را به پایان نرساند و حسرت همه راه‌های نرفته و خنده‌های ناکرده را بر قلب دوستانش به جا گذاشت.





mohammadhossein_1985





محمدحسین برزگری کارشناس مسئول استقرار منابع انسانی در حوزه استقرار نرم افزار حقوق و دستمزد بود. او از نیمه مهرماه سال 91 همکاری اش با چارگون را آغاز کرده و به اعتقاد دوستانش یکی از کلیدهای طلایی واحد منابع انسانی بود. می گفت نقطه قوت

چارگون نیروهایی هستند که با انگیزه بالا مشغول کارند. امید پیشرفت دارند و با هم رفاقت می‌کنند. می‌گفت از بودن در کنار بچه‌های چارگون احساسی عالی دارد، از اینکه همه با هم برای هدفی مشترک تلاش می‌کنند، داشته‌هایشان را از هم دریغ نمی‌کنند و با هم بزرگ می‌شوند.

راستی! محمدحسین دروازه بان تیم فوتسال چارگون هم بود. از همان روزهای اول تشکیل تیم گفته بود «می‌خواهم دروازه‌بان باشم، اگر عابدزاده عقاب آسیاست من عقاب چارگون می‌شوم». پرسپولیزی دو آتیشه که پیراهن شماره 22 را به تن کرد و یکی از تکیه‌گاه‌های تیم فوتسال شد. هم‌بازی‌هایش می‌گویند شوخ طبعی و شور و هیجان محمد حسین مربی‌ها را عاجز می‌کرد چون در هیچ قالب و قاعده‌ای نمی‌گنجید؛ اما وقتی پای بازی‌های چارگون وسط می‌آمد خودش می‌شد یک مربی که از انتهای زمین، بازیکنان را هدایت می‌کرد. پسر پر شور چارگون که در دریانوردی هم تجربه داشت، این بار پرواز را به خاطرمان سپرد. عروج ناگهانی‌اش او را به بلندای دنا کشاند و شد عقاب چارگون!

محمدحسین سراغت را از هر کس می‌گیرم اول راه به خنده‌های مُدامت می‌رسم. به مهربانی‌هایت که از کسی دریغشان نمی‌کردی. این را همراهان همیشگی‌ات در مسیر تهران به کرج می‌گویند. وقتی منتظر می‌ماندی تا بعضی از همکارانت را با خود ببری و تلاش می‌کردی حتی در بین راه هم آنها را بخندانی. می‌رسم به حسرت راه‌های نرفته و خنده‌های در گلو خشکیده دوستان. محمد حسین سرگیجه بدی گرفته‌ایم، مرگت در باور ما نمی‌نشیند. به قول کسرائی:

بسیار گل که از کف من برده است باد

اما من غمین

گل‌های یاد کس را پرپر نمی‌کنم

من مرگ هیچ عزیزی را
باور نمی‌کنم!

چارگون